

ارتباط بین دلبستگی و ابعاد آن با سازگاری اجتماعی در استان کهگیلویه و

بویراحمد

مهرداد کرمی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

اسماعیل جهانبخش^۱

استادیار جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

سید ناصر حجازی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱/۲۶

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین دلبستگی و ابعاد آن با سازگاری اجتماعی می‌باشد و یک پژوهش کاربردی می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش روش پیمایشی، و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی افراد ۱۸ سال به بالای شهرهای استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد که تعداد آن‌ها بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ در حدود ۵۰۰ هزار نفر می‌باشد و ۳۸۴ نفر با سطح اطمینان ۹۵٪ بر اساس فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر خوشه‌ای و تصادفی ساده در دو مرحله بود. بدین صورت که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای تعدادی از شهرهای استان کهگیلویه و بویراحمد انتخاب و از هر شهر به صورت تصادفی نمونه‌هایی استخراج شد. این تحقیق به دنبال بررسی ارتباط بین بررسی ارتباط بین دلبستگی و ابعاد مختلف آن با سازگاری اجتماعی می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین دلبستگی (۰/۳۸) و ابعاد آن یعنی دلبستگی به محله (۰/۴۱)، دلبستگی به شهر (۰/۳۹)، دلبستگی به خانواده (۰/۳۴) و دلبستگی به کشور (۰/۳) با سازگاری اجتماعی شهروندان استان کهگیلویه و بویراحمد ارتباط وجود دارد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که هرچه میزان دلبستگی در ابعاد مختلف افزایش پیدا کند، میزان سازگاری اجتماعی نیز بالاتر می‌رود.

کلید واژگان: دلبستگی به خانواده، دلبستگی به کشور، سازگاری اجتماعی، استان کهگیلویه و

بویراحمد

Investigating the Relationship between Attachment with Social Adjustment

(Case Study of Kohgiluyeh and Boyerahmad Province)

¹ -نویسنده مسئول: esmaeiljahanbakhsh8@gmail.com

Mehrdad Karami

Ph.D. Candidate of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

Esmail Jahanbakhsh

Assistant Professor of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

Naser Hejazi

Assistant Professor of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

Abstract

The purpose of this study is to investigate the relationship between attachments with social adaptation. In terms of target type, an applied study, in terms of scope, is micro and in terms of time a cross-sectional study. The method of research in this research is survey method and data collection tool are a researcher-made questionnaire. The statistical population of the present study is all people aged 18 years old and above Kohgiluyeh and Boyer Ahmad city. Their number is about 500 thousand according to the census of 2016. Also 384 people with a confidence level of 95% have been selected based on Forkel Cochran. The sampling method in the present study was simple and random in two stages. In this way, a number of cities in Kohgiluyeh and Boyer Ahmed provinces were selected using sampling, and the final sample was randomly selected from each city. The research, based on various theories, sought to investigate the relationship between the relationship between attachment and social identity in different dimensions with social adaptation. The results of the research indicate that between attachment (0.38) and its dimensions, attachment to the neighborhood (0.41), attachment to the city (0.39), attachment to the family (0.34) and attachment to the country (0.30) and social identity (0.31) are related to social adjustment of citizens of Kohgiluyeh and Boyer Ahmad.

Key words: Family attachment, Attachment to the country, social compatibility, Khegilouyeh and Boyer Ahmad province.

مقدمه

به‌طور کلی موجود زنده برای ادامه حیات مفید خود به سازگاری با محیط پیرامون خویش نیازمند است (مک دانل و همکاران، 2015)، سازمان روانی و عملکردهای جسمانی ما به گونه‌ای طرح ریزی شده که به خوبی قادر باشند این انطباق و سازگاری را در سایه تفکری صحیح برای ما به ارمغان بیاورند، یعنی اینکه به ما قدرت عمل، قدرت جبران و مقاومت در برابر عوامل پیرامون و نیز تعادل، هماهنگی، تحول، تحرک متناسب و موثر را می‌بخشد، در سایه این حرکت است که تار و پودهای اجتماعی قوام یافته، منسجم و یکپارچه امکان ادامه حیات اجتماعی را برای ما فراهم می‌آورد (پرویزپور و همکاران، 2021). سازگار یا ناسازگار بودن امری است که بر اساس یک ملاک عینی ثابت قابل قضاوت نیست یعنی ما برای اندازه‌گیری آن ابزار مشخصی مانند متر و

گرم و سانتیگراد در اختیار نداریم که با استفاده از آن، سازگاری یا ناسازگاری را بسنجیم، در واقع رفتاری که در یک جامعه ممکن است سازگارانه باشد، در فرهنگ دیگر ممکن است ناسازگارانه تلقی شود. بنابراین سازگاری به عنوان متغیری اجتماعی بهتر است که در ارتباط با متغیرهای جامعه شناختی مورد بررسی قرار بگیرد (بالداساره، 2021). سازگاری با خود و محیط برای هر موجودی یک ضرورت حیاتی به شمار می‌رود. تلاش روزمره همه آدمیان نیز عموماً بر محور همین سازگاری دور می‌زند. روان‌شناسان نیز به طور معمول سازگاری با محیط را مورد توجه قرار داده اند و ویژگی‌هایی از شخصیت را بهنجار تلقی کرده اند که به فرد کمک می‌کنند تا خود را با جهان پیرامون سازگار سازد، یعنی با دیگران در صلح و صفا زندگی کند و جایگاهی در جامعه برای خود به دست آورد. سازگاری و در راس آن سازگاری اجتماعی یک مفهوم نسبی است و تحت تاثیر فرهنگ‌ها و اعتقادات از جامعه‌ای با جامعه دیگر فرق می‌کند (مهرپرور، 2021). به عنوان مثال شاید رفتاری خاص در کشوری مسلمان سازگار تلقی شود، ولی در کشوری دیگر و بر حسب اعتقادات آنان ناسازگارانه باشد.

سازگاری عبارت است از رفتار مفید و موثر آدمی در تطابق با محیط فیزیکی و روانی، به گونه‌ای که تنها با تغییرات محیطی هم‌رنگی نکرده و به پیروی ناهشیار از آن کفایت نمی‌کند، بلکه خود نیز می‌تواند بر محیط تاثیر گذاشته و آن را به گونه‌ای مناسب تغییر دهد (فرانک و همکاران، 2011). در واقع، سازگاری رابطه‌ای است که هر ارگانیزم نسبت به وضع موجود با محیط خود برقرار می‌سازد، حالت تعادل کامل بین محیط و ارگانیزم، حالتی که در آن تمام نیازها برآورده شده و تمام اعمال ارگانیزم به راحتی صورت می‌پذیرد (بچتولت، 2021). سازگاری اجتماعی، جریانی است که بوسیله آن روابط میان افراد، گروه‌ها و عناصر فرهنگی در وضع رضایت بخش برقرار باشد؛ به عبارت دیگر، روابط میان افراد و گروه‌ها به گونه‌ای برقرار شده باشد که رضایت

متقابل آن‌ها را فراهم سازد. در شکل‌گیری سازگاری اجتماعی عوامل گوناگونی تأثیر دارند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها دلبستگی است (رحمانی و همکاران، 2017). سازگاری اجتماعی توانایی ایجاد ارتباط متقابل با دیگران است که در زمینه خاص اجتماعی به طریق خاص که در عرف جامعه قابل قبول و ارزشمند است به حقیقت می‌پیوندد، و فرآیندی است که افراد را قادر می‌سازد تا رفتار دیگران را درک و پیش‌بینی کنند، رفتار خود را کنترل و تعاملات اجتماعی خود را تنظیم کنند. عوامل گوناگونی با سازگاری اجتماعی در ارتباط هستند که از جمله مهم‌ترین آن دلبستگی اجتماعی می‌باشد (قربانی و همکاران، 2017). سازگاری اجتماعی با شاخص‌های سازگاری عاطفی، سازگاری در خانواده، سازگاری در محیط جامعه و احساس همبستگی با دیگران سنجیده می‌شود (ویلکینز و دیوید، 2022). دلبستگی عبارت است از پیوند عاطفی عمیقی که با افراد در زندگی خود برقرار می‌شود، طوری که باعث می‌شود وقتی با آن‌ها تعامل داشته باشند، احساس نشاط و شغف کرده و به هنگام استرس از اینکه آن‌ها را در کنار خود گذارند و احساس آرامش کنند (وودکک، 2022). دلبستگی حس تعلق و نزدیکی افراد را به محیطش می‌رساند و از این طریق به سازگاری بین افراد کمک می‌کند. دلبستگی رابطه عاطفی بین افراد است و باعث می‌شود سازگاری در جامعه افزایش پیدا کند.

دلبستگی اجتماعی متغیر اجتماعی هست که می‌تواند بر سازگاری اجتماعی افراد تأثیرگذار باشد. در دلبستگی اجتماعی، انسان‌ها به یکدیگر و رفتار یکدیگر توجه نشان می‌دهند، به یکدیگر و رفتار یکدیگر وفادار می‌مانند و یکدیگر و رفتاریکدیگر را مورد بازشناسی قرار می‌دهند. دلبستگی انسانها در گستره جامعه نه از سنخ دلبستگی عاطفی روابط نزدیک اجتماعی و دلبستگی به این یا آن فرد معین که دلبستگی اجتماعی از سنخ دلبستگی به مجموع‌های از انسان‌ها است. دلبستگی از اجتماع، از به هم پیوستگی به یک اجتماع ریشه می‌گیرد ولی همزمان خود سنگ بنای اجتماع را بنیاد می‌نهد. دلبستگی اجتماعی دارای ابعاد دلبستگی به محله، دلبستگی به شهر، دلبستگی به خانواده، دلبستگی به کشور می‌باشد (خو و همکاران، 2022). وجود سازگاری اجتماعی یکی از مهم‌ترین ضروریات هر جامعه است که بدون آن هیچ جامعه‌ای به آرامش نمی‌رسد (جدیدی و همکاران، 2010). بدون سازگاری اختلاف و تشتت جامعه را فرا می‌گیرد و در نهایت هرج و مرج و بی‌نظمی جامعه را فرا می‌گیرد. از جمله عوامل مهم و ضروری مرتبط با سازگاری اجتماعی

هویت اجتماعی و دلبستگی اجتماعی می‌باشد. سازگاری اجتماعی، انعکاسی از تعامل فرد با دیگران، رضایت از نقش‌های خود و نحوه عملکرد در نقش‌ها است که به احتمال زیاد تحت تأثیر شخصیت، فرهنگ و انتظارات خانواده قرار دارد. سازگاری اجتماعی معمولاً در اصطلاحات نقش‌های اجتماعی، عملکرد نقش، درگیر شدن با دیگران و رضایت با نقش‌های متعدد، مفهوم سازی شده است. سازگاری اجتماعی انسان بازتابی از خودپنداره او تلقی می‌شود.

بدون تردید موفقیت بزرگسالان در سازگاری با مسائل مختلف زندگی فردی و اجتماعی تا حدود زیادی متأثر از خود پنداره آنان است (سفی خانی قلی زاده و همکاران، 2018). کسانی که خودپنداره مثبت دارند توانایی سازگاری اجتماعی بیشتری از خود نشان می‌دهند (ملگوئیزو- ایبازر و همکاران، 2022). وجود سازگاری اجتماعی یکی از مهم‌ترین ضروریات هر جامعه است که بدون آن هیچ جامعه‌ای به آرامش نمی‌رسد. بدون سازگاری اختلاف و تشتت جامعه را فرا می‌گیرد و در نهایت هرج و مرج و بی‌نظمی جامعه را فرا می‌گیرد. از جمله عوامل مهم و ضروری مرتبط با سازگاری اجتماعی دلبستگی اجتماعی می‌باشد. انجام بررسی موضوع سازگاری اجتماعی و دلبستگی اجتماعی و ارتباط متقابل آن‌ها در استان کهگیلویه و بویراحمد مسئله‌ای اساسی و قابل بررسی است. استان کهگیلویه و بویر احمد به عنوان استانی مهاجرپذیر دارای طوایف و قومیت‌های مختلفی است، طوایف و قومیت‌هایی که گاه‌ها هویت قومی‌شان را بر هر هویتی ترجیح می‌دهند و به علت تعصبات قومی به خصوص در ایام انتخابات با سایر طوایف سر ناسازگاری دارند، تا جایی که بارها منجر به شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی شده است. هم‌چنین در این شهر افرادی با لهجه‌های مختلف صحبت می‌کنند که در بعضی موارد گرایش‌های ناسازگارانه دارند. بنابراین در شهر یاسوج دلبستگی به اطرافیان و داشتن هویت اجتماعی با محوریت یگانگی مسئله‌ای مهم محسوب می‌شود و بررسی ارتباط بین دلبستگی اجتماعی با سازگاری اجتماعی در این استان مسئله‌ای قابل بررسی است. بنابراین با توجه به توضیحات داده شده بررسی ارتباط بین دلبستگی

سازگاری اجتماعی مسئله‌ای اساسی و قابل بررسی است و پژوهش حاضر با هدف، بررسی ارتباط بین دلبستگی و ابعاد آن با سازگاری اجتماعی در استان کهگیلویه و بویراحمد انجام پذیرفته است.

روش

روشی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفت، ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از تکنیکی پیمایشی بود؛ که برای جمع‌آوری مطالب از روش کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری اطلاعات از اعضای جامعه آماری از روش میدانی با استفاده از تکنیک پیمایش استفاده شد. تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک بررسی پیمایشی از نوع همبستگی است. هم‌چنین این تحقیق از نظر هدف، یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، افراد بالای 18 سال استان کهگیلویه و بویراحمد بودند که جمعیت آن بر اساس سرشماری سال 1395 در حدود 500 هزار نفر می‌باشد. با توجه به گستردگی میزان جامعه آماری و عدم امکان دسترسی به همه اعضای جامعه، باید تعدادی از افراد را که معرف جامعه کل بود به‌عنوان حجم نمونه انتخاب می‌کردیم. در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران به استخراج حجم نمونه پرداخته شد (شمس و شمسایی، 2019: نانچوند سوار اسوامی و دیواکار، 2021). که حجم نمونه پژوهش حاضر 384 نفر با سطح اطمینان 95 درصد و توان 80 درصد برآورد گردید. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر خوشه‌ای و تصادفی ساده در دو مرحله بود. بدین صورت که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای تعدادی از شهرهای استان کهگیلویه و بویراحمد انتخاب و از هر شهر به صورت تصادفی نمونه‌هایی استخراج شد.

از اصول اساسی پژوهش، سنجش میزان اعتبار و پایایی آن است. بدین منظور از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود، اما این روش‌ها برای سنجش «قابلیت اعتبار و میزان پایایی» پرسشنامه متفاوت است. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق علاوه بر اسناد و مدارک معتبر، پرسش‌نامه می‌باشند. در این تحقیق از پرسشنامه مبتنی بر طیف رتبه‌بندی (دادن رتبه به هر گویه) استفاده شد. این پرسشنامه با اعمال نظرات اساتید محترم راهنما و مشاور، و 5 تن از اساتید سایر دانشگاه‌ها نهایی شده و روایی آن نیز مورد تأیید قرار گرفت و هم‌چنین برای بررسی پایایی پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. سازگاری اجتماعی با 29 سوال با ضریب پایایی آلفای کرونباخ 0/82 که شامل: خرده متغیرهای سازگاری در خانه با 8 سوال و ضریب الفا 0/81، سازگاری عاطفی با 8 سوال

و ضریب آلفا 0/80، سازگاری در سطح اجتماع با ۶ سوال و آلفای کرونباخ 0/79 و سازگاری محیطی با 7 سوال و آلفای 0/76 بود و مجموع نتایج حاصله بیانگر پایایی قابل قبولی در متغیرهای اصلی و خرده متغیرهای آن بود. دلبستگی با 20 سال با ضریب پایایی آلفای کرونباخ 0/81 که شامل: خرده متغیرهای دلبستگی به کشور با 5 سال و ضریب آلفا 0/76، دلبستگی به شهر با 5 سال و ضریب آلفا 0/72، دلبستگی به محله با 5 سؤال و آلفای کرونباخ 0/82 و دلبستگی به خانوادگی با 5 سوال و آلفای 0/86 بود و مجموع نتایج حاصله بیانگر پایایی قابل قبولی در متغیرهای اصلی و خرده متغیرهای آن بود.

در ابتدا به درج خلاصه یافته‌های توصیفی و سپس یافته‌های استنباطی می‌پردازیم. یافته‌های توصیفی در جداول شماره 1 تا 4 و یافته‌های استنباطی در جدول‌های 5 تا 10 ارائه گردیده است.

جدول 1. توزیع پاسخگویان بر حسب سازگاری اجتماعی در ابعاد جنسیت، وضعیت تاهل و سن

مؤلفه های سازگاری	جنسیت	وضعیت تاهل		سن						
		مجرد	متاهل	۱۸-۲۹	۳۰-۳۹	۴۰-۴۹	۵۰-۵۹	>۷۰		
زن	۱۷۶	۴۵/۸۴	۳۶	۹/۳۸	۹۵	۲۴/۷۴	۱۵۶	۴۰/۶۲	۶۰	۱۵/۶۳
مرد	۲۰۸	۵۴/۱۶	۱۲۱	۳۱/۵۱	۹۷	۲۵/۲۶	۱۰۵	۲۷/۳۵	۵۰	۱۳/۰۲
کل	۳۸۴	۱۰۰	۴۴	۱۱/۴۶	۱۲۲	۳۱/۷۷	۱۴۱	۳۶/۷۲	۵۰	۱۳/۰۲

داده های جدول (شماره ۱) مزبور نشان می‌دهد که ۶۲/۲۴ درصد افراد مورد مطالعه متاهل و ۳۷/۷۶ درصد دیگر مجرد می

داده های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که ۶۷/۷۴ درصد افراد مورد مطالعه متاهل و ۳۷/۷۶ درصد دیگر مجرد می‌باشند. بر اساس جدول مربوط به متغیر سن، بیشترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی 35-30 سال (22/91) و کمترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی 60 سال به بالا (2/87) می‌باشند.

156..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هفدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

جدول 2. توزیع درآمد خانوار در استان کهگیلویه و بویراحمد

درآمد خانوار به تومان	فراوانی	درصد
میلیون و پانصد هزار تومان آ زیر	70	18/23
2/500/000-1/500/001	120	31/25
3/500/000-2/500/001	106	27/60
4/500/000-3/500/001	77	20/05
تومان به بالا 4/500/001	11	2/87
کل	384	100

نحوه توزیع پاسخگویان بر اساس درآمد فرد یا خانواده نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان (31/25) دارای درآمد 2/500/000-1/500/001 می‌باشند. پایین‌ترین تعداد پاسخگویان (2/87) نیز دارای درآمد 4/500/001 تومان به بالا هستند (جدول 2).

جدول 3. توزیع پاسخگویان بر حسب دلبستگی و ابعاد آن

مؤلفه‌ها	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		میانگین
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
دلبستگی به محله	۲۶	۶/۷۷	۴۲	۱۰/۹۳	۹۰	۲۳/۴۴	۱۶۵	۴۲/۹۷	۶۰	۱۵/۶۲	۳/۴۹
دلبستگی به شهر	۱۹	۴/۹۴	۳۲	۸/۳۳	۹۵	۲۴/۷۳	۱۷۰	۴۴/۲۷	۷۰	۱۸/۲۳	۳/۶۱
دلبستگی به خانواده	۸	۲/۰۸	۱۴	۳/۶۵	۹۰	۲۳/۴۳	۱۴۴	۳۷/۵۰	۱۲۰	۳۱/۲۵	۳/۹۱
دلبستگی به کشور	۱۶	۴/۱۷	۵۷	۱۴/۸۴	۱۲۵	۳۲/۵۵	۱۱۴	۲۹/۶۹	۷۲	۱۸/۷۵	۳/۴۴
دلبستگی											۳/۶۱

جدول شماره ۳ مربوط به متغیر دلبستگی و مولفه‌های آن، نشان می‌دهد که در میان مولفه‌های دلبستگی بیشترین میانگین مربوط به دلبستگی به خانواده (3/91) و کمترین میانگین مربوط به

دلبستگی به کشور (3/44) می‌باشد. میانگین دلبستگی به محله (3/49) و دلبستگی به شهر (3/61) و میانگین کلی دلبستگی نیز (3/61) می‌باشد که میزان آن بالاتر از متوسط و نزدیک به زیاد است.

جدول 4. توزیع پاسخگویان بر حسب سازگاری اجتماعی و ابعاد آن

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مؤلفه های سازگاری
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳/۴۳	۱۵/۶۳	۶۰	۴۰/۶۲	۱۵۶	۲۴/۷۴	۹۵	۹/۳۸	۳۶	۹/۶۳	۳۷	در خانه
۳/۱۵	۱۳/۰۲	۵۰	۲۷/۳۵	۱۰۵	۲۵/۲۶	۹۷	۳۱/۵۱	۱۲۱	۲/۸۶	۱۱	عاطفی
۳/۳۷	۱۳/۰۲	۵۰	۳۶/۷۲	۱۴۱	۳۱/۷۷	۱۲۲	۱۱/۴۶	۴۴	۷/۰۳	۲۷	در جامعه
۳/۲۲	۱۰/۴۲	۴۰	۳۳/۰۷	۱۲۷	۳۴/۱۱	۱۳۱	۱۲/۷۶	۴۹	۹/۶۴	۳۷	محیطی
۳/۲۹											میزان کل

جدول شماره 4 مربوط به متغیر سازگاری اجتماعی و مؤلفه‌های آن، نشان می‌دهد که در میان مؤلفه‌های رضایت اجتماعی بیشترین میانگین مربوط به سازگاری در خانه (3/43) و کمترین میانگین مربوط به سازگاری عاطفی (3/15) می‌باشد. میانگین سازگاری محیطی (3/22) و سازگاری در سطح جامعه (3/37) و میانگین کلی سازگاری اجتماعی نیز (3/29) می‌باشد که میزان آن بالاتر از حد متوسط است. برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، پیش شرط‌هایی وجود دارد که عبارتند از: شرط نرمال بودن داده‌ها که جهت بررسی نرمال بودن عامل‌ها از آزمون تک نمونه‌ای کلموگروف - اسمیرنوف استفاده شد.

جدول شماره 5. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرها دلبستگی به

158..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هفدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

شاخص‌ها	محل	شهر	خانواده	کشور	سازگاری
تعداد	384	384	384	384	384
مقادیر کلموگروف-اسمیرنوف	2/99	3/01	3/74	2/22	2/88
سطح معناداری (دو دامنه)	0/21	0/15	0/13	0/06	0/14

با توجه به جدول شماره 5 می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از 0/05 می‌باشند پس می‌توان گفت که بقیه متغیرها این عامل نرمال بودن توزیع داده‌ها را می‌رساند و می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمون‌های پارامتریک را بکار گرفت. آزمون فرضیه اصلی: بین دلبستگی و سازگاری اجتماعی در استان کهگیلویه و بویراحمد ارتباط وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید.

جدول شماره 6. ضریب همبستگی دلبستگی و سازگاری اجتماعی در بین شهروندان

سازگاری اجتماعی		
هویت اجتماعی	شدت رابطه	سطح معناداری
		0/001
		0/38

با توجه به مقدار معناداری محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با 0/001 می‌باشد و چون این عدد کوچکتر از 0/05 است، لذا بین دو متغیر دلبستگی و سازگاری اجتماعی در بین شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. هم‌چنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با 0/38 است، لذا همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر دلبستگی و سازگاری اجتماعی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه دلبستگی در بین شهروندان بیشتر باشد میزان سازگاری آنان بیشتر می‌شود. لذا بر این اساس فرضیه اصلی شماره پژوهش تایید می‌شود (جدول 6). آزمون فرضیه

159..... ارتباط بین دل‌بستگی و ابعاد آن با سازگاری اجتماعی در استان کهگیلویه و بویراحمد

سازگاری اجتماعی

0/41	شدت رابطه	دل‌بستگی به محله
0/001	سطح معناداری	

جدول شماره ۷. ضریب همبستگی دل‌بستگی به محله و سازگاری اجتماعی در بین شهروندان

فرعی شماره 1: بین دل‌بستگی به محله و سازگاری اجتماعی در استان کهگیلویه و بویراحمد ارتباط وجود دارد. برای آزمون فرضیه فوق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. یافته‌ها در جدول زیر آورده شده است.

با توجه به مقدار معناداری محاسبه شده در جدول 7 بین دو دامنه که برابر با 0/001 می‌باشد و چون این عدد کوچکتر از 0/05 است، لذا بین دو متغیر دل‌بستگی به محله و سازگاری اجتماعی در بین شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. هم‌چنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با 0/41 است، لذا همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر دل‌بستگی به محله و سازگاری اجتماعی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه دل‌بستگی به محله در بین شهروندان بیشتر باشد میزان سازگاری اجتماعی آنان بیشتر می‌شود. لذا بر این اساس فرضیه فرعی شماره 1 پژوهش تأیید می‌شود. آزمون فرضیه فرعی شماره 2: بین دل‌بستگی به شهر و سازگاری اجتماعی در استان کهگیلویه و بویراحمد ارتباط وجود دارد. برای آزمون فرضیه فوق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. یافته‌ها به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول شماره ۸. ضریب همبستگی دل‌بستگی به شهر و سازگاری اجتماعی در بین شهروندان

سازگاری اجتماعی

0/39	شدت رابطه	دل‌بستگی به شهر
0/001	سطح معناداری	

160..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هفدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

با توجه به مقدار معناداری محاسبه شده در جدول ۸ بین دو دامنه که برابر با 0/001 می‌باشد و چون این عدد کوچکتر از 0/05 است، لذا بین دو متغیر دل‌بستگی به شهر و سازگاری اجتماعی در بین شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. هم‌چنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده که برابر با 0/39 است، لذا همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر دل‌بستگی به شهر و سازگاری اجتماعی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه دل‌بستگی به شهر در بین شهروندان بیشتر باشد میزان سازگاری اجتماعی آنان بیشتر می‌شود. لذا بر این اساس فرضیه فرعی شماره 1 پژوهش تأیید می‌شود. آزمون فرضیه فرعی شماره 3: بین دل‌بستگی به خانواده و سازگاری اجتماعی در استان کهگیلویه و بویراحمد ارتباط وجود دارد. برای آزمون فرضیه فوق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. یافته‌ها به شرح زیر می‌باشد:

جدول شماره 9. ضریب همبستگی دل‌بستگی به خانواده و سازگاری اجتماعی در بین شهروندان

سازگاری اجتماعی		
0/34	شدت رابطه	دل‌بستگی
0/001	سطح معناداری	به خانواده

با توجه به مقدار معناداری محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با 0/001 می‌باشد و چون این عدد کوچکتر از 0/05 است، لذا بین دو متغیر دل‌بستگی به خانواده و سازگاری اجتماعی در بین شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. هم‌چنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با 0/34 است، لذا همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر دل‌بستگی به خانواده و سازگاری اجتماعی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه دل‌بستگی به خانواده در بین شهروندان بیشتر باشد میزان سازگاری اجتماعی آنان بیشتر می‌شود (جدول 8). فرضیه فرعی شماره 2 پژوهش تأیید می‌شود.

161..... ارتباط بین دلستگی و ابعاد آن با سازگاری اجتماعی در استان کهگیلویه و بویراحمد

آزمون فرضیه فرعی 4: بین دلستگی به کشور و سازگاری اجتماعی در استان کهگیلویه و بویراحمد ارتباط وجود دارد. برای آزمون فرضیه فوق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. که نتایج در جدول زیر آورده شده است.

جدول شماره 10. ضریب همبستگی دلستگی به کشور و سازگاری اجتماعی در بین شهروندان

سازگاری اجتماعی		
0/30	شدت رابطه	دلستگی به کشور
0/001	سطح معناداری	

با توجه به مقدار معناداری محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با 0/001 می‌باشد و چون این عدد کوچکتر از 0/05 است، لذا بین دو متغیر دلستگی به کشور و سازگاری اجتماعی در بین شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. هم‌چنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با 0/30 است، لذا همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر دلستگی به کشور و سازگاری اجتماعی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه دلستگی به کشور در بین شهروندان بیشتر باشد میزان سازگاری اجتماعی آنان بیشتر می‌شود. لذا بر این اساس فرضیه فرعی شماره 3 پژوهش تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاکی از ارتباط مستقیم بین دلستگی با سازگاری اجتماعی در بین شهروندان استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد. بدین ترتیب که هرچه میزان دلستگی در ابعاد مختلف افزایش

پیدا کند میزان سازگاری اجتماعی نیز بالاتر می‌رود. دل‌بستگی عبارت است از پیوند عاطفی عمیقی که افراد در زندگی خود برقرار می‌کنند، طوری که باعث می‌شود وقتی با آن‌ها تعامل داشته باشند، احساس نشاط و شغف کرده و به هنگام استرس از اینکه آن‌ها را در کنار خود گذارند احساس آرامش کنند. بنابراین این وضعیت عاملی در سازگاری اجتماعی افراد می‌باشد (وودکاک، 2022). یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین دل‌بستگی با سازگاری اجتماعی با یافته‌های پژوهش‌های (مایرز و همکاران، 2016: نیلم، آیوشی، 2022)، (فارسیجانی و همکاران، 2022)، (راجندران و همکاران، 2022) امانی و همکاران (1391) همخوانی دارد. هر کدام از پژوهشگران فوق در پژوهش‌های خود به ارتباط بین دل‌بستگی و ابعاد آن با سازگاری اجتماعی پی برده‌اند. نتایجی که با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد. علاوه بر تحقیقات پیشین مذکور یافته‌ها پژوهش مبنی بر ارتباط بین دل‌بستگی با سازگاری اجتماعی با نظریه‌های شوارتز، پارسونز و مک کیساک همخوانی وجود دارد. به عقیده شوارتز پاره‌ای از زمینه‌های بیولوژیکی فرد گرایش به رفتار ناسازگارانه را تسهیل می‌کنند و زمانی که فرد در معرض روابط ناسازگارانه در درون یا بیرون از خانواده قرار گیرد، زمینه‌ای بیولوژیکی فرد با روابط نامطلوب و ناسازگار محیط خانه یا اجتماعی عامل اصلی و مکانیزم مهم گرایش به ناسازگاری در نوجوانان می‌شوند. این نظریه بر دل‌بستگی افراد در جامعه تأکید دارد و معتقد است دوری از زمینه‌های دل‌بستگی ناسازگاری را افزایش می‌دهد. پارسونز در سطح خود، رضای نیازهای افراد و فرآیند دل‌بستگی اجتماعی و هنجار پذیری افراد را از شرایط لازم، و پذیرش عقاید و ارزش‌های عامی چون خردگرایی فعال‌گرایی، آزادگی را عامل تعیین‌کننده ایجاد یگانگی و رشد تعهد متقابل بین افراد می‌داند. هم‌چنین در سطح کلان همسویی عوامل ساختاری را از شرایط لازم، و نهادهای فرهنگی مولد و مروج دانش‌ها و ارزش‌ها را تعیین‌کننده تحقق اجتماع عام می‌داند. مک کیساک در تبیین ناسازگاری فردی در فرآیند رشد رفتار اجتماعی فرد، معتقد به دو عامل اساسی احساس بی‌کفایتی اجتماعی در خانواده و شرایط محیطی خارج از خانه که رفتار بزهکارانه را تقویت می‌کند، تأکید دارند (لیستر و همکاران، 2022).

باتوجه به ارتباط بین دل‌بستگی به محله و سازگاری اجتماعی پیشنهاد می‌شود راهکارهایی در نظر گرفته شود که محلات به خصوص محلات سنتی کارکردهای اصلی خود را از دست ندهند و به عنوان در افزایش انسجام اجتماعی و به طور کلی سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شوند. بدین ترتیب

محلات می‌توانند به عنوان عاملی در راستای افزایش سازگاری اجتماعی کارکرد داشته باشند. با توجه به ارتباط بین دل‌بستگی به شهر و سازگاری اجتماعی پیشنهاد می‌شود که جاذبه‌های شهری و همچنین امکانات به خصوص در شهرهای کوچک و مناطق محروم افزایش یابد تا بدین ترتیب مردم حس علاقه و دل‌بستگی خود را به شهرهای کوچک و در واقع شهرهای مادری خود را از دست ندهند و بدین ترتیب شاهد مهاجرت به مناطق مختلف و در نتیجه ناهمگونی قومی و فرهنگی نباشیم و بدین ترتیب ناسازگاری اجتماعی پدید نیاید. با توجه به ارتباط بین دل‌بستگی به کشور و سازگاری اجتماعی پیشنهاد می‌شود که زمینه‌های افزایش کیفیت زندگی و رضایت اجتماعی برای شهروندان و ساکنین فراهم شود تا بدین ترتیب دل‌بستگی به کشور بیشتر شود. بدون رضایت از زندگی و برآورده شدن نیازهای مردم سازگاری اجتماعی افزایش پیدا نمی‌کند و اکثریت مردم دچار مشکلات اساسی می‌شوند. با توجه به ارتباط بین دل‌بستگی به محله و سازگاری اجتماعی پیشنهاد می‌شود راهکارهایی در نظر گرفته شود که محلات به خصوص محلات سنتی کارکردهای اصلی خود را از دست ندهند و به عنوان عامل در افزایش انسجام اجتماعی و به طور کلی سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شوند. بدین ترتیب محلات می‌توانند به عنوان عاملی در راستای افزایش سازگاری اجتماعی کارکرد داشته باشند. با توجه به ارتباط بین دل‌بستگی به شهر و سازگاری اجتماعی پیشنهاد می‌شود که جاذبه‌های شهری و همچنین امکانات به خصوص در شهرهای کوچک و مناطق محروم افزایش یابد تا بدین ترتیب مردم حس علاقه و دل‌بستگی خود را به شهرهای کوچک و در واقع شهرهای مادری خود را از دست ندهند و بدین ترتیب شاهد مهاجرت به مناطق مختلف و در نتیجه ناهمگونی قومی و فرهنگی نباشیم و بدین ترتیب ناسازگاری اجتماعی پدید نیاید.

در پژوهش حاضر و هم‌چون پژوهش‌های دیگر محدودیت‌هایی وجود داشت که بر کمیت و کیفیت داده‌ها تأثیر گذار بوده است، این محدودیت‌ها به شرح زیر می‌باشند: یکی از محدودیت‌های

عمده این پژوهش استفاده از پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری داده است که به دلیل محدودیت ذاتی آن، این ابزار به تنهایی ابزاری ناقص جهت جمع‌آوری اطلاعات است. کم‌حوصلگی از جانب بسیاری از پاسخگویان که گاهی مواقع پرسشنامه را نیمه‌کاره رها می‌کردند و پرسشگر را مجبور به جایگزین کردن پرسشنامه‌ی دیگر برای فردی دیگر در سازمان می‌نمود عدم همکاری لازم و تصور غلط برخی از پاسخگویان در زمینه پاسخگویی به پرسشنامه‌ها فهم غلط بعضی از افراد نسبت به سوالات که توجیه آن‌ها به سختی صورت پذیرفت.

با توجه به ارتباط بین دل‌بستگی به کشور و سازگاری اجتماعی پیشنهاد می‌گردد که زمینه‌های افزایش کیفیت زندگی و رضایت اجتماعی برای شهروندان و ساکنین فراهم شود تا بدین ترتیب دل‌بستگی به کشور بیشتر شود. بدون رضایت از زندگی و برآورده شدن نیازهای مردم سازگاری اجتماعی افزایش پیدا نمی‌کند و اکثریت مردم دچار مشکلات اساسی می‌شوند. پیشنهاد می‌شود که همکاران در آینده به مطالعه در حیطه بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، سلامت اجتماعی، وضعیت اقتصادی، رضایت از زندگی، احساس امنیت اجتماعی و ابعاد مختلف دینداری با سازگاری اجتماعی در بین شهروندان سایر اقوام و استان‌ها پردازند و آن‌ها را با هم مقایسه کنند که بتواند از ظرفیت و قوت هر استان در راستای اهداف کلان کشور استفاده نمود.

منابع

- قربانیان، الهام، محمدلو، هادی، خانبانی، مهدی، یوسفی کیا، مجتبی. (2014). سازگاری اجتماعی و مقبولیت اجتماعی براساس سبک‌های دل‌بستگی. در دانش‌آموزان دختر 10-12 ساله دوره ابتدایی شهر تهران. **دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی**. 17(1): 99-106.
- امانی، رزیتا و دیگران. (1391). **بررسی رابطه هوش اجتماعی با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان رابطه میان سبک‌های دل‌بستگی و سازگاری اجتماعی**. دانشور رفتار، دوره 19 (دوره جدید)، شماره 6، بهار و تابستان.

Bechtoldt MN, Götmann A, Moslener U, Pauw WP. (2021). Addressing the climate change adaptation puzzle: a psychological science perspective. *Climate Policy*;21(2):186202] 14693062.2020.1807897/ 10.1080[.

Farsijani N, Besharat MA, Moghadamzadeh A. (2022). Predicting social adjustment based on attachment styles and cognitive emotion regulation strategies in adolescents. *Journal of psychological science*.:71-88.

Frank., E, Eakin., H, López-Carr D. (2011). Social identity, perception and motivation in adaptation to climate risk in the coffee sector of Chiapas, Mexico. *Global Environmental Change*.; 21(1):66.

Jadidi., A, Khatiban., M, Oshvandi., K, Khodaveisi., M, Maghsoudi., Z, Razavi., M. (2022). Transcendence, the Most Important Spiritual Need of Muslim Older Adults: A Content Analysis Study. *Journal of Religion and Health*. 20/ 10.1007[22s10943-021-01474-5]

Lister R. (2022). *Understanding theories and concepts in social policy*: Policy Press; 2010. 23 Thorpe C. *Sociology in Post-Normal Times*: Rowman & Littlefield.

McDonnell., MJ, Hahs., AK. (2015). Adaptation and Adaptedness of Organisms to Urban Environments. *Annual Review of Ecology, Evolution, and Systematics*.;46(1):261-80. [10.1146/annurev-ecolsys112414-054258]

Mehrparvar., M. (2021). Comparison of social skills and narcissism in women seeking divorce and normal in Bukan city. *Quarterly Disciplinary Knowledge West Azarbaijan*.;14(50):16-30.

Melguizo-Ibáñez E, Zurita-Ortega F, Ubago-Jiménez JL, López-Gutiérrez CJ, González-Valero G. (2022). An explanatory model of the relationships between sport motivation, anxiety and physical and social self-concept in educational sciences students. *Current Psychology*. [10.1007/s12144-022-02778-9].

Meyers., LS, Gamst G, Guarino., AJ. (2016). *Applied multivariate research: Design and interpretation*: Sage publications.

Nanjundewsar swamy., T, Divakar S. A. (2021). OF SAMPLE SIZE AND SAMPLING METHODS IN APPLIED RESEARCH. *Proceedings of Engineering*.;3(1):25-32.

Neelam., S, Mrs Ayushi G. A. (2022). Correlational study of Parent-Adolescent Relationship and Adjustment among Students of Meerut. *International journal of economic perspectives.*;16(1):89-95.

Parvizpour., S, Hussin., N, Shamsir., MS, Razmara., J. (2021). Psychrophilic enzymes: structural adaptation, pharmaceutical and industrial applications. *Applied Microbiology and Biotechnology.*;105(3):899-907.

Rahmani., A, Khani Hanjani., N. (2017). Investigation on the effect of CLOOB social network on member's social identity. *socio-cultural Development Studies.*;6(1):9-34.
Rajendran K, Karuppannan G, Binti Juhari R, Kadir A, Jamba R. (2022). Relationship Between Peer Attachment and Adolescent Positive Well-Being with Gender as the Moderating Factor in Malaysia. *European Journal of Social Science Education and Research.*;9(1):61-76.

Safikhani Gholizadeh S, Mahmoudi A, Maredpour A. (2022). The Effect of Wales Metacognitive Therapy on Quality of Life in Female Students with Social Anxiety Disorder in Gachsaran Universities. *Psychological Methods and Models.* 2. 89-104: 308; 018

Shams., MA, Shamsaee., S. (2019). Advertisement and the Social Identity of Iranian Women: A critical Analysis of Verbal and Visual Discourse in Business Ads. *socio-cultural Development Studies.*;8. 59-83:(1).

Wilkins W, David. (2022). Book Review: Cornerstones of attachment research by Duschinsky Robbie. SAGE Publications Sage UK: London, England.

Woodcock., J. (2022). Social Systems That Promote Attachment Versus Systems That Create Trauma. *Families and Individuals Living with Trauma: A Guide for Therapists, Relatives, and Friends.* Cham: Springer International Publishing; 123-39.

Xu Y, Lee JH, Matarrita-Cascante., D. (2022). Profiling Attached Residents in an Urban Community in the U.S.: An Empirical Study of Social & Landscape Interactions within a Park. *Social Sciences.*;11(1):5.